



Est.1994

# JCL

Journal of the College of Languages

Open Free Access, Peer Reviewed Research Journal

<http://jcolang.uobaghdad.edu.iq>

P-ISSN: 2074-9279

E-ISSN: 2520-3517

2021, No.(44)

Pg:337-360

**A comparative reading of the social and political satire in the works of Abu al-Fadl Zrui Nasrabad and Ahmad Rajab (The tadhkirat Al-Maqamat by Abu al-Fadl Zrui Nasrabad and half a word by Ahmed Rajab as a model)**

**Associate Professor Ali Afzali (Ph.D.)**

**E-mail:** [ali.afzali@ut.ac.ir](mailto:ali.afzali@ut.ac.ir)

University of Tehran, Department of Arabic literature and Language, Tehran, Iran

**Asst. Professor Raheem Al-atabi (Ph.D.)**

**E-mail:** [drraheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq](mailto:drraheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq)

University of Baghdad, College of Languages, Department of Persian Language, Baghdad, Iraq

**Asst Instructur Muhammad Mahdi Karimi**

**Email** [mmkarimi74@yahoo.com](mailto:mmkarimi74@yahoo.com)

University of Tehran, Department of Arabic literature and Language, Tehran, Iran

**( Received on 10/1/2021 - Accepted on 14/2/2021 – Published on 2/6/2021)**

**DOI:** <https://doi.org/10.36586/jcl.2.2021.0.44.0337>



This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)

## Abstract

Satire is genre of the literary arts that has always been the source of human interest. Because it is difficult to accept direct criticism, Satire appears as a literary tool in which vices, follies, abuses and shortcomings are held up to ridicule, with the intent of shaming individuals, corporations, government, or society itself into improvement. A satirical critic usually employs irony to attain this goal. Although satire is usually meant to be humorous, its greater purpose is often profitable social criticism, using wit to draw attention to both particular and broader issues in society. In such cases, humor is not an entertainment, but a means through which a problem is being exposed in a rather indirect way. Abu al-Fadl Zrui Nasrabad and Ahmad Rajab are two of

the famous satirists in Iran and Egypt who have used satire to expose the follies, immoralities and the defects of their societies. The present study discusses *The tadhkirat Al- Maqamat* of Abu al-Fadl Zrui Nasrabad and *Half a Word* for Ahmad Rajab in an analytical and descriptive manner and deals with the arts and styles of the two satirists. The conclusion sums up that satire is one of the most distinguished features of the two writers in their prose, and by using the language of satire, they are also able to criticize, in a large way, the issues and problems that exist in Iranian and Egyptian society indirectly.

**Keywords:** Ahmad Rajab, Abu al-Fadl Zrui Nasrabad, satire, methods of satire

خوانش تطبیقی طنز اجتماعی – سیاسی در آثار ابوالفضل زروی نصرآباد و احمد رجب (مورد مطالعه: تذکرة المقامات زروی و نصف کلمة احمد رجب)  
 دکتر علی افضلی<sup>1</sup>  
 دکتر رحیم مزهر جبر العتابی<sup>2</sup>  
 محمد مهدی کریمی<sup>3</sup>

#### چکیده

طنز یکی از فنون ادبی است که همواره مورد توجه انسان بوده است. در بسیاری اوقات، اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه به گونه‌ای است که جامعه، ظرفیت تحمل و شنیدن صریح انتقادات را ندارد و به ناچار، باید از ابزار دیگر برای نمایاندن مشکلات و کمبودها بهره برد. در چنین مواردی، طنز به میدان می‌آید و هنرمند طنزپرداز با استفاده از شگرد سخریه و طنزپردازی، این هدف را به انجام می‌رساند. خنده‌ای که در اثر طنز بروز می‌کند، خنده‌ای از سر شادی نیست، بلکه چون در طنز، مشکلات موجود که قابلیت بیان صریح آن نیست به صورتی غیر مستقیم بیان می‌شود این خنده، ظاهری است و در باطن، مخاطب می‌گیرد و به فکر فرومی‌رود. ابوالفضل زروی نصرآباد و احمد رجب از نویسندگان سرشناس طنز در ایران و مصر در آثارشان توانسته‌اند با استفاده از شگردهای مختلف طنزپردازی، اوضاع و شرایط حاکم در کشورهای خود را به خوبی منعکس کنند. پژوهش حاضر، با روش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر تذکرة المقامات زروی و نصف کلمة احمد رجب، این تکنیک‌ها را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که تهکم، بیشترین بسامد در نثر این دو نویسنده را به خود اختصاص داده است، همچنین این دو با استفاده از زبان طنز، توانسته‌اند تا حد زیادی مسائل و مشکلات موجود در جامعه ایران و مصر را به صورتی غیر مستقیم بیان و نسبت به آن انتقاد کنند.

<sup>1</sup> دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران [ali.afzali@ut.ac.ir](mailto:ali.afzali@ut.ac.ir)

<sup>2</sup> استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بغداد [drraheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq](mailto:drraheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq)

<sup>3</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران [mmkarimi74@yahoo.com](mailto:mmkarimi74@yahoo.com)  
 دبیر آموزش و پرورش استان یزد،

واژه‌های کلیدی: احمد رجب، ابوالفضل زرویی نصرآباد، طنز، تکنیک‌های طنز

## 1- مقدمه

یکی از انواع ادبی مهم برای انتقاد از کمبودها و کاستی‌های موجود در جامعه، طنز است که نگاهی متفاوت نسبت به مسائل ارائه می‌کند. بدون شک طنز، یکی از گونه‌های ادبی است که از دیرباز مورد توجه بشر بوده و وسیله‌ای مؤثر برای بیان انتقادات به صورت غیر مستقیم است و شرایط موجود در جامعه تأثیر بسزایی در شکوفایی آن داشته است. سختی‌های زندگی، بی عدالتی‌ها، قانون شکنی‌ها و... در جامعه اقتضا می‌کند که به مقابله با آن برخاسته و در جهت اصلاح آن تلاش شود. این مقابله به روش‌های متفاوتی قابل انجام است که یکی از آنها طنز است. این فن، وسیله‌ای مهم در نشان دادن لبخند بر لب مخاطبان و شاد کردن روحیه آنان به شمار می‌رود اما اگر به نیکویی به طنز نگریسته و عمق آن درک شود خواهیم دید که این خنده تنها برای شاد کردن نیست و گاهی در درون و پشت معانی ظاهری آن، گریه‌ای تلخ نهفته است که از آگاهی فرد نسبت به اوضاع و شرایط پیرامونش ناشی می‌شود. در واقع طنز به ظاهر می‌خنداند اما در باطن مخاطب را به فکر فرو می‌برد و می‌گریاند. یکی دیگر از دلایل روی آوردن به طنز، بیان مسائلی است که ممکن است به علت شرایط موجود، نتوان آن را به صراحت بیان کرد. طنزپرداز با بیان مسائل در سایه سخریه و طنز می‌تواند تأثیر شگرفی بر مخاطبان خود داشته باشد و همچنین با انتقادات دلسوزانه‌ی خود، معایب را گوشزد کند و گامی در جهت اصلاح مشکلات و کاستی‌ها بردارد.

## 1-1- مبانی نظری پژوهش

طنز در اصل واژه‌ای عربی است که در لغت نامه‌های عربی به معنای سخریه و مسخره کردن و در فرهنگ‌های فارسی به معنای ناز، سخن به رمز گفتن، عیب کردن، لقب دادن و بر کسی خندیدن آمده است و در اصطلاح ادبی «به نوع خاصی از آثار منظوم یا منثور ادبی گفته می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی و سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش می‌کشد.» (اصلائی، 1385: 140) (Aslani, 1385:140) به بیان دیگر طنز، اشاره و تنبیهی است که به قصد اصلاح مورد استفاده قرار می‌گیرد و هدفش صرفاً خنداندن نیست اگرچه ممکن است با خنده نیز همراه باشد اما این خنده به مانند خنجری است که در قلب انسان فرو می‌رود و انسان را به تفکر وامی‌دارد. بنابراین، خنده‌ای که همراه با طنز است باید تفکرآمیز باشد و مخاطب را به فکر فروبرد. وظیفه‌ی طنز، روشنگری و افشای مسائلی است که وجودشان در جامعه سبب عقب‌ماندگی می‌شود. انتقاد اگر جامه‌ی طنز بپوشد شیرین‌تر و قابل تحمل‌تر می‌شود. طنز موفق باید مخاطب را ضمن آگاه کردن از مشکلات به نشاط نیز بیاورد. خنداندن، نسبتاً آسان است اما خنداندنی که در آن درد نهفته باشد کار بسیار مشکلی است. (هاشمی، 1386: 11) (Hasheminejad, 1386:11) شمیسا در مورد طنز می‌گوید: «در طنز معمولاً مقاصد اصلاح‌طلبانه و اجتماعی مطرح است. طنز، کاستن از مقام و کیفیت کسی یا چیزی است به نحوی که باعث خنده و سرگرمی شود و گاهی در آن تحقیری باشد.» (شمیسا، 1383: 234) (Shamisa, 1383:234) تفاوت طنز با هجو نیز در همین است؛ طنز نمی‌خواهد تخریب کند بلکه به دنبال اصلاح و بهبودی است. به اعتقاد انوشه «اگرچه طبیعت طنز بر خنده استوار است اما بر خلاف کمدی، خنده در طنز هدف نیست بلکه وسیله‌ای است برای نشان دادن کاستی‌ها و توجه دادن به آن‌ها.» (انوشه، 1376: 934) (Anousheh, 1376:934) بنابراین طنز پرداز با نگاهی دقیق، به

اوضاع و احوال جامعه می‌نگرد و باید تلاشش بر این باشد که با هدف خیرخواهی، ضعف‌ها و کمبودهای موجود را به امید اصلاح، بیان کند.

### 2-1- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

همانطور که اشاره شد، طنزپردازی علاوه بر اینکه باعث لبخند و انبساط خاطر می‌شود، دارای مقاصد اصلاح طلبانه نیز می‌باشد. در جوامعی که از آزادی‌های سیاسی کمتری برخوردار هستند، طنز، جلوه و نمود بیشتری پیدا می‌کند؛ چرا که در این جوامع، شاعر یا نویسنده قادر نخواهد بود به صراحت انتقاد خود از حاکمان و یا اوضاع جامعه در ابعاد مختلف را بیان کند، از این رو با بیان در لافافه و غیر مستقیم، از کاستی‌ها انتقاد می‌کند. با بررسی طنز زرویی و احمد رجب که جزو طنزپردازان بزرگ ایران و مصر هستند می‌توان به دغدغه‌ها، شیوه و سبک بیان این دو و همچنین شرایط آن زمان ایران و مصر در ابعاد گوناگون پی‌برد.

### 3-1- پیشینه پژوهش

ابوالفضل زرویی نصرآباد و احمد رجب، هر دو از چهره‌های مطرح و شناخته شده‌ی طنز در ایران و مصر هستند و نقش به‌سزایی در ارتقای این فن، داشته‌اند. از جمله پژوهش‌های انجام شده در مورد زرویی نصرآباد و احمد رجب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) پایان‌نامه‌ای با عنوان «نقد ساختاری غلاغه به خونهش نرسید اثر ابوالفضل زرویی نصرآباد» که توسط سارا (غلامی، 1391) (Gholami, 1391) انجام شده. نویسنده در این پایان‌نامه، علاوه بر ساختار، شگردهای مختلف طنزپردازی در این اثر زرویی را مورد مطالعه قرار داده و برخورداری از سبک و زبان خاص را از ویژگی‌های طنز وی برمی‌شمرد.

ب) پایان‌نامه‌ی دیگری با عنوان «بررسی محتوایی طنز در اشعار محمد صالحی آرام، ابوالفضل زرویی نصرآباد و خلیل جواد» نیز به همت حمیده (پردل 1391) (Pardel, 1391) در مورد زرویی انجام شده که نگارنده به مقایسه‌ی اشعار این سه نفر پرداخته و موضوعات گوناگون و شگردهای مختلف این افراد در طنزنامه‌ی را نشان داده است.

ج) (نظری منظم و بیاتی، 1396) (Nazari munazam, 1396) در مقاله‌ای با عنوان «الأدب الساخر في الصحافة المصرية؛ أحمد رجب نموذجاً» ادبیات طنز در روزنامه‌نگاری مصر و به‌طور خاص، احمد رجب را مورد بررسی قرار داده و اسلوب او در این نوع از ادبیات و چگونگی انعکاس جامعه مصر توسط وی را نشان داده و به این نتیجه رسیده است که؛ طنز، بخش وسیعی از روزنامه‌نگاری مصر را دربرمی‌گیرد. احمد رجب از این شگرد ادبی برای پرده‌برداری از مشکلات جامعه مصر، بهره برده و همچنین از واژگانی استفاده کرده که برای مردم قابل فهم باشد تا بهتر بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند. ادبیات طنز نزد احمد رجب، به مانند آئینه‌ای است که فضایای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه مصر را در خود منعکس می‌کند.

د) (پوردهقان اردکان و دیگران، 1396) (Purdheghan, 1396) نیز در پژوهشی تحت عنوان «سبک شناسی آثار طنز ابوالفضل زرویی نصرآباد» آثار زرویی را از نظر سبک شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتایج دست یافته‌اند: نقیضه‌گویی و آیرونی دو شگرد طنزآفرینی هستند که از بسامد بسیار بالایی در آثار وی برخوردارند، طنزنوشته‌های نخستین وی به تقلید از شیوه رایج مجلات فکاهی عصر خود بوده اما به تدریج، به سبکی شخصی دست پیدا می‌کند.

با کاوش در میان پژوهش‌های انجام شده در مورد این دو نویسنده، پژوهشی که آثار این دو نویسنده را با نویسنده‌ای غیر هم زبان خود مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد و به این اعتبار، مقاله‌ی حاضر دارای نوآوری خواهد بود.

#### 4-1- سوالات و روش پژوهش

این مقاله با روش تحلیلی توصیفی در پی آن است که با بررسی طنز در نثر احمد رجب و زرویی و به طور خاص در کتاب *تذکرة المقامات* و نصف کلمه به سوالات زیر پاسخ دهد:  
الف) زرویی و احمد رجب از چه تکنیک‌هایی برای طنز پردازی استفاده کرده‌اند؟  
ب) بازتاب اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران و مصر در نثر این دو نویسنده چگونه است؟

#### 5-1- نگاهی به زندگی دو طنزپرداز

##### الف) ابوالفضل زرویی نصرآباد

ابوالفضل زرویی نصرآباد روزنامه نگار، شاعر و طنزپرداز معاصر در سال 1348 در تهران به دنیا آمد. در سال 1371 کارشناسی ادبیات فارسی را اخذ نمود و در سال 1374 در مقطع کارشناسی ارشد با نگارش پایان نامه‌ای با عنوان «طنز و انتقاد در ادبیات بعد از انقلاب اسلامی» و با نمره 19 و درجه بسیار خوب فارغ التحصیل شد. زرویی «از طنز نویسان مطرحی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی بکار طنز در مجلات فکاهی پرداخته است. عمده شهرت وی به دلیل همکاری با مرحوم کیومرث صابری فومنی در مجله طنز گل آقاست.» (پوردهقان اردکان و رضاپوریان و همکاران، 1396: 2) (Purdheghan, 1396:2) وی نقش بسزایی در پیشرفت طنز بعد از انقلاب داشته است. شروع کار طنز زرویی در سال 1368 و با مجله خورجین بود و سپس با انتشار مجله گل آقا، با نوشتن مقالاتی طنز تحت عنوان «تذکرة المقامات» و با نام مستعار «ملا نصر الدین» به شهرت رسید. وی برای مدتی سردبیر و دبیر شورای نویسندگان ماهنامه گل آقا و به مدت یک سال نیز به عنوان دبیر سرویس طنز روزنامه همشهری مشغول به فعالیت بود. زرویی با نام‌های مستعار متفاوتی به نوشتن می‌پرداخت از جمله: ملا نصر الدین، میرزا یحیی، ننه قمر، چغندر میرزا و... اولین اثر منتشر شده زرویی در قالب کتاب، تذکرة المقامات اوست. این نویسنده طنزپرداز دارای آثار منظوم و منثور دیگری از جمله؛ روزه‌ها، غلاغه به خونش نرسید، اصل مطلب و... نیز است. وی در سال 1397 و در سن 49 سالگی بر اثر سکته قلبی از دنیا رفت.

##### ب) احمد رجب

احمد رجب معوض متولی در 20 نوامبر 1928 در اسکندریه مصر متولد شد. وی در رشته حقوق، لیسانس را اخذ کرد و برای کار به دفتر روزنامه «أخبار الیوم» در اسکندریه پیوست، سپس به قاهره نقل مکان کرد و پس از اینکه برادران مصطفی و علی امین مهارت روزنامه نگاری وی را کشف کردند مسئولیت دبیر تحریریه را بر عهده گرفت. (سایت [www.aljazeera.net](http://www.aljazeera.net))  
رجب به قدرت فوق العاده‌اش در سخریه و آفریدن خنده دردناک درباره آنچه در واقعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اتفاق می‌افتد مشهور است؛ از طریق ابتکار شخصیت‌هایی با همراهی رفیق همراش هنرمند کاریکاتوریست، مصطفی حسین، که فقط سه هفته پیش از او درگذشت. (سایت

[www.akhbarelyom.com](http://www.akhbarelyom.com))

احمد رجب از مهمترین نویسندگان و روزنامه نگاران طنزپرداز مصر به شمار می‌رود و از او به عنوان پیشوای نویسندگان طنزپرداز نام برده می‌شود. وی حدود 50 سال، به صورت روزانه در

روزنامه «أخبار اليوم» مقاله‌هایی با عنوان «نصف كلمة» می‌نوشت که در این مقالات به صورتی طنزآمیز، اوضاع سیاسی و اجتماعی مصر را مورد انتقاد قرار می‌داد. (سایت youm7.com) «طنز احمد رجب تند و شبیه به مسلسل است، اما تفاوت بین آن و مسلسل در این است که طنز رجب زخمی می‌کند اما خون جاری نمی‌شود. او کسانی که را که به آن‌ها هجمه می‌برد دوست دارد و نسبت به آن‌ها کینه ندارد، با حاکمان در حالی که سوار بر اسب هستند مبارزه می‌کند اما وقتی از اسب می‌افتند از جنگ با آن‌ها دست می‌کشد و مرهم بر روی زخم‌هایشان می‌گذارد.» (رجب، بی تا: 47) (Rajab, w.d.:47) در نهایت رجب در 12 سپتامبر 2014 بعد از تحمل سال‌ها بیماری و در سن 86 سالگی درگذشت. ناقدان درباره احمد رجب اینگونه می‌گویند؛ در سال‌هایی که هرگونه انتقاد نسبت به حکومت، به تعقیب و زندان منجر می‌شد، وی با شجاعت و جرات مثال زدنی‌اش به وسیله‌ی اسلوب طنزآمیز قوی خود به انتقاد از حکومت می‌پرداخت و نبض ملت را به مسئولین منتقل می‌کرد. (سایت www.aljazeera.net) از وی کتب زیادی با زبان طنز به جا مانده است از جمله: کلام فارغ، أي کلام، الحب و سنیة، ضربة في قلبك، فوزية البرجوازية، الأغاني الأربانية، توتة توتة، یومیات حمار، نهارك سعید و مجموعه مقالات او در روزنامه‌ی أخبار اليوم که با عنوان نصف كلمة به چاپ می‌رسید.

## 2- شگردهای طنزآفرینی در «تذكرة المقامات» زرویی و «نصف كلمة» احمد رجب

هر نویسنده برای بیان طنزگونه کلام خود، ناچار باید از شگردهایی استفاده کند. این شگردها طبق تقسیم‌بندی‌های مختلف، به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند اما به طور کلی برخی از این شگردها عبارتند از: ایهام، بزرگنمایی یا اغراق، کوچک نمایی یا تحقیر، تهکم، تضمین ساخر، تجاهل العارف و.....

در این مقاله روش‌های مختلف طنزآمیزی در آثار احمد رجب و زرویی با تکیه بر کتاب «تذكرة المقامات» زرویی و «نصف كلمة» احمد رجب مورد بررسی قرار گرفته است.

### 1-1- ایهام

ایهام در لغت به معنی «به گمان انداختن و به شک افکندن» و در اصطلاح یعنی کلمه‌ای در یک کلام، دو معنی متفاوت داشته باشد: یک معنی دور و یک معنی نزدیک. «کاربرد واژه‌های ایهام دار دو معنایی، خود یک نوع شوخی زبانی است که موجب اجتماع دو معنی ناهماهنگ می‌شود و از این جهت مایه انبساط خاطر است.» (فتوحی، 1390: 385) (Fotuhi, 1390:385)

احمد رجب در این بند با ایجاد ایهام در کلمه «حصانة» معنایی متفاوت از آن ارائه کرده است:

«هذه اسئلة سخيفة لكثرة تكرارها والاجوبة عليها:

س\_ لماذا يجرفون الارض حتى الآن؟

ج\_ لأن عندهم حصانة.» (رجب، بی تا: 47) (Rajab, w.d.:47)

معنی: اینها سوالات مسخره‌ای هستند که بارها تکرار می‌شوند و پاسخ داده می‌شوند: چرا تا الان زمین را حفر می‌کنند؟ چون حصانه دارند.

واژه‌ی «حصانۀ» دارای دو معنای «مصونیت» و «استواری و محکم بودن» است. احمد رجب با استفاده از این کلمه، در امان بودن مسئولین حکومتی و عدم بازخواست شدن آن‌ها در برابر کار غیر قانونی را مورد انتقاد قرار داده است.

«.....و من العبث القول بان عندنا وزراء حمر بل هم انفتاحيون مع الانفتاح و انغلاقيون مع الانغلاق و ليسوا حمرا و لا خضرا لكنهم مشكلين على كل لون» (رجب، بی تا: 61) (Rajab, w.d.:61)

معنی: گفتن اینکه وزیرانی (الاغ-سرخ) داریم بی‌فایده است بلکه آنان با روشنفکری، روشنفکر و با تحجر، متحجر می‌شوند و نه سرخ‌اند و نه سبز اما به هر رنگی درمی‌آیند. کلمه «حمر» بسته به چگونگی تلفظ آن دارای دو معنای متفاوت است: «حُمُر» به معنی «الاغ‌ها» جمع کلمه «حمار» و همچنین «حُمُر» که جمع کلمه «أحمر» به معنای «قرمز و سرخ» می‌باشد. نویسنده در این قسمت، دو مرتبه از این واژه استفاده کرده است: مرتبه اول در کنار وزراء و مرتبه دوم در کنار رنگ سبز و بدین ترتیب در مورد «وزراء حمر» ایجاد ابهام کرده است که آیا به معنای «وزیران الاغ» است یا «وزیران سرخ»

زرویی نیز در تذکرة المقامات، از ابهام اینگونه بهره برده است:

الف) ذکر سید محمود دعایی

«و این سید محمود - کرم الله وجهه - مردی مطلع بود و اطلاعات داشت! روزی می‌گفت: خدایا! مرا آگهی ده» (زرویی نصرآباد، 1376: 37) (Zarvi Nasrabad, 1376.:37)

اطلاعات دارای دو معناست: یک آگاهی و دو، روزنامه‌ی اطلاعات که اشاره به دوران ریاست سید محمود دعایی بر آن دارد.

آگهی نیز دارای دو معنای دانش و آگهی تبلیغاتی که در روزنامه به چاپ می‌رسد است.

ب) ذکر سید محمد خاتمی

«ما نیز، زمانی از چپ و راست گریزان بودیم و بر اوج کیهان بودیم» (زرویی نصرآباد، 1376: 51) (Zarvi Nasrabad, 1376:51)

واژه‌ی کیهان به یک معنا، روزگار و جهان است و به معنایی دیگر به دوران ریاست آقای خاتمی بر روزنامه کیهان اشاره دارد.

## 2-2- تضمین و اقتباس ساخر

«گاه نویسنده با پناه بردن به این شگرد، از احادیث و یا اشعار دیگران سود جسته و متن خود را طنزآمیز می‌کند» (الغزالی، 1414: 311) (Ghazali, 1414:311) «تضمین با ایجاد ارتباط بین متون و به عبارت دقیق‌تر به کمک بینامتنیت، بر غنای اثر می‌افزاید و در تاثیرگذاری آثار طنزآمیز بسیار کارآمد است. از این رو غالب طنزپردازان از این شیوه بهره می‌برند.» (زارع جیره‌نده و باقری خلیلی، 1395: 305) (Zare Jirhandeh, 1395: 305)

احمد رجب در جواب فردی که نسبت به پیش‌بینی غلط اداره هوشناسی انتقاد کرده بود، با استفاده از آیه قرآن، به شکلی طنزآمیز پاسخ می‌دهد: «أما التنبؤ بالغد فهذا فوق طاقة الهيئة لأنك تعرف جيدا لا يعلم الغيب إلا الله» (رجب، بی تا: 101) (Rajab, w.d.:101) معنی: اما پیش‌بینی فردا چیزی است که فراتر از توان اداره است، چرا که خوب می‌دانی تنها خداوند غیب را می‌داند.

«الناس يقارنون جنیه اليوم بجنیه الامس فيصعب عليهم عزيز قوم ذل و قد اقترحت من قبل تغيير اسم الجنیه الى دونار اشتقاقا من دولار و دينار و ذلك حتى ينسى الناس جنیه ايام العز» (رجب، بی تا:

110)(Rajab, w.d.:110) معنی: مردم جنیه امروز را با جنیه دیروز مقایسه می‌کنند پس برای آن ها سخت است عزیز قومی که خوار و ذلیل شده باشد. من قبلاً تغییر اسم جنیه به دونار برگرفته شده از دولار و دینار را پیشنهاد داده‌ام برای اینکه مردم جنیه روزهای دارای عزت و ارزش را فراموش کنند.

(جنیه واحد پول مصر بوده است) رجب در مقایسه‌ای جالب و با تضمین از حدیث پیامبر: «إرحموا ثلاثاً عزیز قوم ذل.....» پول مصر را به مانند عزیزی می‌داند که خوار شده چرا که ارزش جنیه مصری نسبت به قبل، بسیار پایین آمده است.

در کتاب تذکرة المقامات و در مورد دکتر عبدالله جاسبی نیز، ذکر بی‌تی از حافظ و ربط دادن آن به موضوع، موجب انبساط خاطر خواننده می‌شود:

«نقل است که اهل شعر و ادب بود. او را گفتند: چرا در بدو تأسیس دانشگاه آزاد، شرط داشتن دیپلم از شرایط شرکت در کنکور حذف کردی؟ گفت: آن زمان ما بر این اعتقاد بودیم که:

بشوی اوراق اگر همدرس مایی که درس عشق در دفتر نباشد!» (زرویی نصرآباد، 1376: 130)

(Zarvi Nasrabad, 1376:130)

همچنین در تذکرة المقامات و درباره‌ی دکتر مصطفی معین (وزیر فرهنگ و آموزش عالی) با تضمین این جمله از گلستان سعدی که «ده درویش در گلیمی بخشیدند» به نوعی کوچک بودن فضای خوابگاه‌های دانشجویان به سخره گرفته شده است: «و خوابگاههایی از برای دانشجویان ساخته بود، به قدر کف دست و گفتی: "ده درویش در گلیمی بخشیدند!" و جز او، کس سخن بدین استواری نفرموده بود، الا شیخ اجل سعدی!» (زرویی نصرآباد، 1376: 133) (Zarvi Nasrabad, 1376:133)

### 2-3- ضرب‌المثل

ضرب‌المثل ها به دلیل ایجاز و دارا بودن بار طنز، کاربرد زیادی در طنزآمیز کردن متون دارند. همایی در کتاب فنون بلاغت و صناعات ادبی ضرب‌المثل را این‌چنین معرفی می‌کند: تمثیل یا ضرب‌المثل آن است که: «عبارت نظم یا نثر را به جمله‌ای که مثل یا شبیه مثل و متضمن مطلبی حکیمانه است بیاریند و این صنعت همه‌جا موجب آرایش و تقویت بنیة سخن می‌شود و گاه باشد که آوردن یک مثل در نظم یا نثر و خطابه و سخنرانی، اثرش در پروراندن مقصود و جلب توجه شنونده بیش از چندین بیت منظوم و چند صفحه مقاله و رساله باشد.» (همایی، 1384: 299).

(Homayi, 1384:299)

احمد رجب درباره پولهایی که مردم به حکومت کمک می‌کنند و به مردم گفته می‌شود این اموال به خزانه دولت می‌رود از ضرب‌المثل «مغارة علی بابا» که از ضرب‌المثل‌های معروف عربی است استفاده می‌کند. او با بهره‌گیری از این ضرب‌المثل، به صورتی طنزگونه سرنوشت این اموال را مورد تردید قرار می‌دهد.

«...فندعو الله الا یكون مصیر هذه الاموال مغارة علی بابا» (رجب، بی تا: 50)

(Rajab, w.d.:50)

معنی: از خدا می‌خواهیم که سرنوشت این اموال، مغاره علی بابا نباشد.

«تابعت جلسة لمجلس الشعب على الشاشة الصغيرة و واضح من الوقائع-والحق يقال-أن د.الرزاز بذل قبل الجلسة مجهودا شاقا في محاولة فهم ضريبة المبيعات و لكن على العبد أن يسعی و ليس عليه ادراك النجاح» (رجب، بی تا: 90) (Rajab, w.d.:90)



معنی: یک جلسه مجلس نمایندگان را از طریق تلویزیون دنبال کردم و از پیشامدها روشن است – و حقیقت گفته می‌شود. که دکتر رزاز قبل از جلسه تلاش زیادی برای فهمیدن مالیات بر فروش کرد اما بنده باید تلاش کند و دستیابی به موفقیت بر او واجب نیست.

رجب با استفاده از ضرب‌المثل «علی العبد أن یسعی و لیس علیه ادراک النجاح» عدم شایستگی دکتر رزاز که یکی از مسئولان دولتی است و تخصص نداشتن وی در مورد مسائل اقتصادی مربوط به حکومت را به تمسخر می‌گیرد.

زرویی نیز با استفاده از ضرب‌المثل «سنگ مفت، گنجشک مفت» طنزی جالب در متن خود ایجاد کرده است:

ذکر محمدجواد لاریجانی

«بیگانه‌ای گفتش: مکتوب سیاسی چگونه نویسی و خبر از غیب چگونه دهی؟ گفت: هرگز در تاریکی انداخته‌ای؟ گفت: نی! گفت: پس ببیناز که گفته اند: سنگ مفت، گنجشک مفت! و ما، انداختیم و شد» (زرویی نصرآباد، 1376: 26)

(Zarvi Nasrabad, 1376:26)

زرویی با به کارگیری ضرب‌المثل مشهور «چاه نکن بهر کسی» در مورد حسن حبیبی طنز زیبایی آفریده است. حبیبی از جمله حقوق‌دانانی بود که پس از انقلاب ایران، پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی را تهیه کرد و چند سال بعد به معاونت اولی ریاست جمهوری منصوب شد و اینکه اکنون باید به قانونی که خود در تدوین آن نقش داشته عمل کند دست مایه طنز زرویی شده است:

«نقل است که شبی در مناجات می‌گفت: خدایا، من این قانون نوشته بودم تا دیگران بکنند، حال به منش داده‌اند تا عمل کنم. این چه مکافات است؟ پس منادی ندا کرد که: یا حسن! مگر نه این که تو را گفته بودیم: چاه نکن بهر کسی؟» (زرویی نصرآباد، 1376: 11)

(Zarvi Nasrabad, 1376:11)

#### 4-2- بزرگ‌نمایی یا اغراق

در این روش نویسنده برای رسیدن به هدف خود برخی از ویژگی‌ها و صحنه‌ها را برجسته و نمایان‌تر نشان می‌دهد. «وقتی طنزپرداز کسی را احمق‌تر از آنچه هست می‌نماید، وقتی جرم و گناهی را بیش‌تر از واقعیت نشان می‌دهد و آن‌گاه که یک رویداد کوچک را تا حد غیر قابل باوری بزرگ می‌کند، در حقیقت به مخاطب خود این واقعیت را گوشزد می‌کند که عیوب و رذایلی که به طنز کشیده شده‌اند، به قدر کافی بزرگ هستند، اما چون برخی از دیدن واقعیت آن ناتوانند، طنزپرداز مجبور شده آن‌ها را با ذره‌بین به صورت واقعی نشان دهد و حقیقت و ماهیت آن را بهتر بشناساند.»

(دهقانیان، 1386: 160)(Dehghanian, 1386:160)

احمد رجب با اغراق در مورد زمان لازم برای به دنیا آمدن بچه که قاعدتا باید نه ماه طول بکشد آن را به 27 ثانیه! تقلیل می‌دهد. او با این اغراق، به تعداد زیاد فرزندان و زاد و ولد بی‌شمار در مصر طعنه می‌زند. او در ابتدا در مورد اختراع کامپیوتر که در کاهش وقت لازم برای کارها نقش مهمی داشت سخن می‌گوید و سپس خود مصریان را نیز دارای یک ویژگی خاص می‌داند:

«أحدث الكمبيوتر ثورة هائلة في الإنتاج و الإدارة فما كان يتم انجازه في شهور أصبح يتم في أيام و ما كان يحتاج إلى ساعات أصبح ينجز في دقائق أو ثوان. و قد تفوقنا نحن المصريين- علي مقدرة الكمبيوتر فاختصرنا ساعات العمل السبع في اليوم إلى 27 دقيقة فقط و ما كان يتم صنعه في تسعة شهور ضربنا فيه رقما قياسيا فاصبحنا ننتج طفلا كل 27 ثانية» (رجب، بی تا: 147) (Rajab, w.d.:147)

معنی: کامپیوتر، تحولی بزرگ در تولید و مدیریت ایجاد کرد چرا که آنچه انجام آن ماهها طول می کشید در چند روز انجام می شود و آنچه که به ساعتها نیاز داشت در چند دقیقه یا ثانیه قابل اجراست. ما مصریان توانسته ایم بر این قابلیت کامپیوتر، برتری یابیم زیرا هفت ساعت کار روزانه را فقط در 27 دقیقه خلاصه کرده ایم و چیزی که ساختش در 9 ماه انجام می گیرد ما در آن رکورد زده ایم و هر 27 ثانیه یک کودک تولید می کنیم.

احمد رجب در انتقاد به وضع اقتصادی مصر، اینگونه می گوید:

«...و عندنا أزمة اقتصادية رغم أن نصف تعدادنا دكاترة اقتصاد...» (رجب، بی تا: 94)

(Rajab, w.d.:94)

معنی: ما بحران اقتصادی داریم، باوجود اینکه نیمی از ما دکترای اقتصاد هستند. مشخص است اینکه نیمی از مردم مصر، دکترای اقتصاد باشند عراق و بزرگنمایی است و موجب خنده خواننده می شود. وی به این شکل سخن گفتن، سران اقتصادی مملکت را که تنها دارای مدرک هستند اما توانایی بهبود بخشیدن به اوضاع اقتصادی را ندارند مورد انتقاد قرار می دهد.

زرویی در تذکره المقامات، در چند مورد از این تکنیک استفاده کرده است از جمله:

ذکر عبدالله جاسبی

«این سنگگ گوید: در خلوت پیش او شدم. گفت: یا این سنگگ! می پنداری جایی مانده است که ما در آنجا شعبه ای از دانشگاه آزاد دایر نکرده باشیم؟ گفتم: آری؛ بر فرق سر من! گفت خدا تو را رحمت کند که راست گفتی» (زرویی نصرآباد، 1376: 30). (Zarvi Nasrabad, 1376:30)

نویسنده در این بند، به تعداد زیاد دانشگاه آزاد در کشور اشاره می کند و با بزرگنمایی، طنز را به آن وارد کرده است که در واقع، انتقادی نسبت به این تعداد است.

ذکر حسن حبیبی

«سید عطاء الله مهاجرانی گوید: لبهای شیخ ما حبیبی-کرم الله وجهه- پینه بسته بود از بسیاری وعده

که فرمایش کرده بود» (زرویی نصرآباد، 1376: 13) (Zarvi Nasrabad, 1376:13)

واضح است که لب پینه نمی بندد و این بیان اغراق گونه زرویی در واقع، به وعده دادن های زیاد مسئولان انتقاد دارد.

## 2-5- کوچک نمایی یا تحقیر

همان طور که بزرگنمایی دستمایه طنزپرداز قرار می گیرد گاهی عکس این قضیه یعنی کوچک-نمایی نیز می تواند به طنز نویس کمک کند. جوادی در کتاب تاریخ طنز در ادبیات فارسی درباره این تکنیک طنزپردازی می نویسد: «کوچک کردن یکی از عمده ترین تکنیک های طنزنویسی است. به این معنی که نویسنده شخصی را که می خواهد مورد انتقاد قرار دهد، از تمام ظواهر فریبنده عاری می سازد و او را از هر لحاظ کوچک می کند. این کار می تواند به صورت های مختلف صورت گیرد و می تواند از لحاظ جسمی و یا از لحاظ معنوی و یا به شیوه های دیگری باشد.» (جوادی، 1384: 17)

(Javadi, 1384:17)

احمد رجب برای بیان عدم شایستگی وزرای کشورش با استفاده از این شگرد، وزارت را تنها شغلی نشان می‌دهد که به شایستگی یا تجربه‌ی قبلی نیاز ندارد:

«کثیرون دهشوا لصغر مرتب الوزير. و مرتب الوزير صغیر منذ سنین لان منصب الوزير يعتبر المهنة الوحيدة التي لا تحتاج إلى مؤهلات او خبرة سابقة» (رجب، بی تا: 18) (Rajab, w.d.:18) معنی: خیلی‌ها از دستمزد اندک وزیر تعجب کرده‌اند. حقوق وزیر سال‌هاست که کم است. چرا که سِمَت وزیر، تنها شغلی است که نیاز به صلاحیت و سابقه قبلی ندارد.

«تجربة الزلزال كانت مأساوية و مريرة، المشكلة ان المرصد لا تستطيع التنبؤ بينما الحيوانات تستشعرها قبل وقوعها مباشرة، و يمكن تاجير قرد و قرداتي في أحد المرصد لهذا الغرض، إذ من الصعب الاعتماد على حيوانات حذیقة الحيوان لانهم موظفين حكومة» (رجب، بی تا: 116) (Rajab, w.d.:116)

معنی: تجربه زلزله، غم‌انگیز و سخت بود، مشکل این است که رصدخانه‌ها قادر به پیش‌بینی نیستند درحالی‌که حیوانات بلافاصله قبل از وقوع، آن را حس می‌کنند. می‌توان چند میمون را در یکی از رصدخانه‌ها به این منظور، اجاره کرد زیرا اعتماد به حیوانات باغ وحش دشوار است چرا که آن‌ها کارمندان دولت هستند.

در این بند، رجب کارمندان دولت را تحقیر می‌کند و آنان را حیوانات باغ وحش می‌داند که نمی‌توانند زلزله‌ها را پیش‌بینی کنند.

زرویی نیز در بیانی طنزگونه شغل وزارت را این‌گونه حقیر و کوچک می‌نماید و به بی‌کفایتی آن‌ها طعنه می‌زند:

ذکر رضا ملک زاده

«چون پیش پدر باز آمد، پدر او را پرسید که: یا پسر! در دکترا چه مایه معدل گرفتی؟ گفت: یا پدر! 3/76. گفت: بیل توانی زدن؟ گفت: نی! گفت طلسم احضار جن و دعای چشم زخم توانی نوشت؟ گفت: نی! پس پدر بگریست و گفت: کسی چون تو را که هیچ نتانی و ندانی، وزارت شاید و بس!» (زرویی نصرآباد، 1376:87) (Zarvi Nasrabad, 1376:87).

ذکر مصطفی معین

«نقل است که مولانا حبیبی با او گفت: یا مصطفی چندان به کار دنیا بی اعتنا مباش و آن را حرمت دار. پس او -اعلی الله مقامه- گفت: به جان مولانا جاسبی قسم که این دنیا، در نزد ما، از مدرک دانشگاه آزاد، بی اعتبارتر است!» (زرویی نصرآباد، 1376:96) (Zarvi Nasrabad, 1376:96)

در این قسمت چیزی که به وضوح مشخص است کوچک‌نمایی و تحقیر دانشگاه آزاد و مدرک آن است به گونه‌ای که فرد برای نشان دادن عدم تمایل به دنیا، آن را در کنار مدرک دانشگاه آزاد و در پایین‌ترین اندازه از ارزش قرار داده است.

## 2-6- تهکم

این فن در اصطلاح ادبی نوعی وارونه‌گویی کلامی است که با بیانی طنزآمیز کسی را به ظاهر مورد تمحید و ستایش قرار می‌دهند اما با لحنی کاملاً مشخص در پی تحقیر اویند. (اصلانی، 1385:95). (Aslani, 1385:95) در حقیقت ظاهر کلام جدی اما هدف تحقیر فرد است، در بسیاری از موارد تهکم، همان ذم شبیه به مدح است. بنابراین بر ضدیت میان لفظ و معنی استوار است که معمولاً این حس طعنه‌آمیز در لحن کلام منعکس می‌شود و ابزار آن زبان کنایه است. (کردچگینی، 1388:36) (Kordchigini, 1388:36).

تهکم از شگردهایی است که احمد رجب و زرویی به وفور از آن استفاده کرده‌اند. احمد رجب آورده است:

«کثر عدم وصول التلغرافات إلى أصحابها و تبين أن مدير التلغرافات في هيئة الاتصالات رجل تقى و طيب و صالح لا يجب نقل الكلام بين الناس و بعضها» (رجب، بی تا: 9) (Rajab, w.d.:9) معنی: نرسیدن تلگراف‌ها به صاحبانش زیاد شد و مشخص شد مدیر تلگراف در سازمان مخابرات، مردی باتقوا، خوب و درستکار است که سخن چینی بین مردم را دوست ندارد. در این بند، به ظاهر از مدیر تلگراف تعریف کرده و او را دارای صفاتی نیک دانسته است اما در باطن، او را تحقیر و مذمت کرده است.

«تعرض السينما والتلفزيون بين وقت و آخر أفلاما أمريكية عن السطو على البنوك و تستعمل فيها القتابل اليدوية و قتابل الدخان و الرشاشات و الحمد لله أن هذا كله غريب عنا و عن طباعنا. فالسطو عندنا يتم بالطرق السلمية عن طريق القروض» (رجب، بی تا: 144) (Rajab, w.d.:144) معنی: سینما و تلویزیون هر از گاهی فیلم‌هایی آمریکایی درباره سرقت از بانک‌ها به نمایش می‌گذارند که در آن‌ها نارنجک‌های دستی، نارنجک‌های دود و مسلسل استفاده می‌شود. خدا را شکر که این‌ها همه از ما و از ذات و سرشت ما دور است. چرا که سرقت‌های ما از راه‌های مسالمت آمیز و به وسیله وام انجام می‌شود.

خواننده با خواندن این جملات و تمجید نویسنده از کشورش و شکرگزاری وی از این که این دزدی‌ها در مصر و خوی مردمان آن جایی ندارد، مصر را کشوری بدون دزدی از بانک‌ها در ذهن خود متصور می‌شود اما با خواندن ادامه متن متوجه می‌شود که در مصر نیز دزدی از بانک وجود دارد اما به گونه‌ای دیگر و مسالمت آمیز نه از طریق خشونت!

زرویی نیز در کتابش از تهکم استفاده کرده آنجا که می‌گوید:

ذکر محمد علی نجفی

«نقل است که در علوم، نبوغ وافر داشت و چندان در تفرید و تجرید سرآمد بود که از علوم غیب خبر میداد؛ چنان که روزی گفت: وضع مالی فرهنگیان عظیم خراب است؛ چون تحقیق کردند، چنان بود که او گفته بود و از این دست کرامات، فراوان از او دیده شد.» (زرویی نصرآباد، 1376: 21)

(Zarvi Nasrabad, 1376.:21)

در این بند نیز زرویی، ظاهراً فرد را مورد ستایش قرار می‌دهد و او را دارای کرامات می‌داند اما در پشت این معانی، از شأن فرد، می‌کاهد.

در تذکره المقامات، نویسنده در مورد مهندس هادی نژاد حسینیان (وزیر صنایع سنگین) وی را صاحب مناعت طبع، تواضع نفس و همچنین تلاش برای حفظ وحدت توصیف می‌کند اما از لحن سخن مشخص است که در حال طعنه زدن است: «گویند مناعت طبع و تواضع نفس وی، چنان بود که تبلیغ خودرو ملی کردی، لکن بر بنز خارجی سوار گشتی؛ به جهت حفظ وحدت!» (زرویی نصرآباد، 1376: 136) (Zarvi Nasrabad, 1376.:136)

## 7-2- تجاهل العارف

در لغت به معنی جهل و نادانی را به خود بستن و خود را به نادانی زدن، و در اصطلاح بدیع، سخن گفتن در مورد چیزی آشکارا و شناخته است که گویی آن را ندانسته و نشناخته‌اند. (داد، 1385: 94)

(Dad, 1385:94) در واقع، «چون ما به حماقت رایج در یک طبقه صریحاً نمی‌توانیم انتقاد کنیم،

خود را به نابخردی و حماقت می‌زنیم و وانمود می‌کنیم که نابخردی‌های طبقات ممتاز را تایید می‌کنیم.» (حلبی، 1365: 68) (Halabi, 1365:68).  
 احمد رجب به این شکل از این فن، استفاده کرده است:  
 «سیارة حكومية سوداء فخمة ملاكي القاهرة يتقدمها كونستابل يطلق سرية عالية ليفسح الطريق و ركاب السيارة طفلان فقط. و لا شك أن هذا مظهر حضاري رائع يكشف عن رعايتنا للطفولة و تكريمها. فالاطفال أحببنا الله.» (رجب، بی تا: 20) (Rajab, w.d.:20)

معنی: خودویی با پلاک دولتی، که در جلوی آن یک پلیس در حال راه باز کردن است و مسافران آن، دو کودک هستند. بدون تردید این یک نمایه متمدانه از نگرش ما به کودکان و بزرگداشت آنان است چرا که کودکان عزیز خداوند هستند.

احمد رجب در این بند با اطلاع از سوء استفاده‌های حاکم در دولت مثلا استفاده شخصی از اتوموبیل دولتی، خود را به نادانی زده و آن را به گونه‌ای دیگر تفسیر کرده و احترام به کودکان به حساب می‌آورد.

«المفاوضات لا تزال متعثرة مع صندوق النقد في الوقت الذي تقبض فيه أمريكا -أغنى دولة في العالم- فواتير حرب الخليج بالمليارات هي بسبب حروب خضناها بالنيابة عن أشقائنا العرب لكن من شدة أدبنا لا نقدم فواتير بل و لا نسمح بأن تأتي كلمة فواتير على لساننا لأننا فيما يبدو نعتبرها كلمة أبيحة» (رجب، بی تا: 199)

(Rajab, w.d.:199)

معنی: گفتگوها همچنان با صندوق پول ناامید کننده است. این در حالی است که آمریکا ثروتمندترین کشور جهان صورتحساب‌های میلیاردی جنگ خلیج فارس را دریافت می‌کند. آن به دلیل جنگ‌هایی است که ما به نیابت از برادران عرب خود وارد آن شدیم اما به دلیل ادب زیادمان فاکتور ارائه نمی‌کنیم بلکه حتی اجازه نمی‌دهیم کلمه صورتحساب روی زبانمان بیاید زیرا اینطور که به نظر می‌رسد آن را کلمه‌ای زشت به شمار می‌آوریم.

رجب در این بند، خود را به ندانستن زده و درمورد هزینه‌های بی شماری که مصر در جنگ خلیج فارس متحمل شد و اکنون خواستار پس‌گرفتن آن پول‌ها نمی‌شود آن را ناشی از ادب زیادشان و حیا کردن از سخن‌گفتن در مورد فاکتور می‌داند، گویا نمی‌داند دلیل اصلی این‌گونه عمل کردن حاکمان مصری چیست!

در کتاب تذکرة المقامات نیز این‌گونه آمده است:

مهندس غلامرضا آقازاده وزیر نفت

«روزی با اصحاب خاص در جایی می‌رفت و برف باریده بود. جماعتی از مردم بدید که در سرما با پیت‌ها ایستاده بودند. پس او را دل بسوخت و گریه‌ها کرد و اصحاب را گفت: این جا که چنین است پس وای به حال مردم جمهوری‌های تازه استقلال یافته! پس گفت تا صادرات گاز و نفت به آن جمهوری‌ها بیشتر کنند.» (زرویی نصرآباد، 1376: 140)

(Zarvi Nasrabad, 1376:140)

در این قسمت، به جای اینکه فکری به حال مردم برداشته شود، فرد به گونه‌ای که انگار نفهمیده است، از این صحنه طور دیگری برداشت می‌کند.

زرویی در مورد شهردار کرمان به این شکل ایجاد طنز کرده است:

«روزی با اصحاب از خیابانی گذر می‌کرد. ناگاه در چاله‌ای عمیق فروافتاد، چنان که حالش تباہ گشت. چون با حال زار از چاله بیرون می‌آمد، نظرش بر دری افتاد. رنگ از رویش برفت و بر سر کوفت که: وای بر ما که تمامی مشکلات این شهر، رفع کرده‌ایم، مگر این در که هنوز رنگ آبی بر آن زده‌ایم!» (زرویی نصرآباد، 1376: 137)

(Zarvi Nasrabad, 1376:137)

در این بند، شهردار وقتی در چاله می‌افتد انتظار این است که با توجه به منصب شغلی خود که شهردار است و مسئولیت آبادانی و عمران شهر نیز به عهده شهرداری‌هاست دستور بدهد آن چاله را پرکنند و یا حداقل چیزی درمورد آن چاله بگوید اما او برعکس با حالتی که گویا اصلاً چاله، مشکلی برای شهر ندارد و چیزی عادی است، از در سخن می‌گوید و مشکل را در آبی نکردن آن در می‌داند!

## 2-8- کج نگرستن

کج نگرستن شاید از مهمترین ویژگی‌های یک طنزنویس باشد. منظور از آن، جور دیگر دیدن است، جوری که تا به حال کسی ندیده باشد. طوری که مرسوم و متعارف نیست. (صفایی و ادهمی، 1393: 144)

(Safaei, 1393:144)

احمدرجب به مصونیتی که اعضاء مجلس از آن برخوردارند و از آن سوء استفاده می‌کنند به گونه‌ای دیگر نگاه می‌کند و آن را دارای فایده برای دادگاه‌ها و زندان‌ها می‌داند:

«... الحصانة التي تمتع بها اعضاء المجلس السابق كان لها سلبياتها الشنيعة لكن كان لها ايضا جوانبها الايجابية، فقد لعبت تلك الحصانة دورا هاما في تخفيف ضغط العمل على محاكم الجنایات و مصلحة السجون» (رجب، بی تا: 70-71)(Rajab, w.d.:70-71)

معنی: مصونیتی که اعضاء سابق مجلس از آن برخوردار بودند موارد منفی زشتی داشت اما دارای جنبه‌های مثبت نیز بود، چرا که این مصونیت نقش مهمی در کاهش فشار کاری بر دادگاه‌های کیفری و اداره زندان‌ها ایفا کرد.

«أسعدتنا هيئة التنظيم و الإدارة فقالت ان متوسط عدد ساعات العمل للفرد منا لا يزيد على 27 دقيقة في اليوم، و معنى هذا الخبر السار أن أي واحد منا إذا اشتغل أكثر من 27 دقيقة في اليوم فمن حقه أن يقبض أوفرتايم. الف مبروك» (رجب، بی تا: 16)(Rajab, w.d.:16) معنی: سازمان تنظیم مقررات و امور اداری ما را خوشحال کرد و گفت که میانگین تعداد ساعات کار برای هرکدام از ما از 27 دقیقه در روز فراتر نمی‌رود. معنی این خبر خوب این است که هرکدام از ما اگر بیش از 27 دقیقه در روز کار کند شایسته آن است که اضافه‌کاری دریافت کند. مبارک باشد.

فرد به جای آنکه این مقدار زمان از میانگین کار را تأسف بار بداند و یا پیشنهادی در جهت اصلاحش ارائه دهد تفسیر دیگری می‌کند و آن را خبری خوشحال کننده و باعث دریافت اضافه کاری و مایه تبریک می‌داند.

ذکر محمد خاتمی

«او را به امر سیاحت و زیارت اهتمامی وافر بود. گویند کسی گفتش: چرا بیشتر، از نور چشمان برگزینی و به حج فرستی؟ گفت: از آن جهت که این فرقه را بر من محبتی تمام است؛ ترسم که از شدت دوستی‌ای که با من دارند، جان از تنش برآید و تا حج دیگر نمانند!» (زرویی نصرآباد، 1376: 52)

(Zarvi Nasrabad, 1376.:52)

در این قسمت در انتقاد به برگزیدن افراد خاص برای سفر حج، از فرد سوال می‌شود اما او در جواب، دلیل غیر منطقی و جالبی را ذکر می‌کند و جواب را به گونه‌ای که ظاهراً از سوال، برداشت دیگری داشته می‌دهد.

زرویی در مورد سید حسن غفوری فرد داستانی جالب نقل می‌کند:

«حکایت کنند در زمان صدارت وی واقعه‌ای در رود باران الموت حادث شد و نیروگاهی در لوشان بترکید. از او پرسیدند پرا بیت المال حرام کردی؟ گفت در این کار حکمتی است مگر نه آنکه چند سال دیگر، زلزله خود نیروگاه را خراب کند؟! پس ما علاج واقعه قبل از وقوع کردیم!! و همه از کرامات شیخ فرو ماندند!» (زرویی نصرآباد، 1376: 169-170) (Zarvi Nasrabad, 1376: 169-170)

در این حکایت به از بین رفتن نیروگاه به شکلی دیگر نگاه شده و آن را به مانند علایق قبل از وقوع حادثه بیان کرده است.

## 2-9- استدلال احمقانه

ابوالفضل حرّی، استدلال احمقانه را یکی از شیوه‌های شوخ طبعی و لطیفه بیان می‌کند. (حرّی، 1387: 50) (Hari, 1387: 50)

اگر بتوان در کلام خود از استدلالی بی‌ربط استفاده کرد احتمالاً باعث خنده مخاطب خواهد

شد.

احمد رجب با بیان اینکه افراد غیر مصری برای صاحب شدن آپارتمان باید موافقت کابینه را بگیرند آن را تصمیمی عاقلانه می‌داند. به این سبب که به دلیل معماری پیشرفته ممکن است آن افراد، آپارتمان‌ها را از جا کنده و به خارج فرار کنند! وی با آوردن این استدلال، کلام خود را طنزآمیز کرده است.

«يعجب الكثيرون لان غير المصري اذا اراد ان يمتلك شقة فلا بد من موافقة مجلس الوزراء، مع ان هذا قرار حكيم من الدولة لان التطور المعماري و وجود المباني الجاهزة يمكن ان يغري الاجانب بفك الشقق و تهريبها الى الخارج.» (رجب، بی تا: 38) (Rajab, w.d.:38)

معنی: بسیاری تعجب کردند زیرا اگر فردی غیر مصری بخواهد آپارتمانی را مالک شود باید مجلس وزیران موافقت کند، با وجود اینکه این، تصمیمی عاقلانه از سوی دولت است چرا که پیشرفت معماری و وجود ساختمان‌های آماده ممکن است خارجی‌ها را به طمع بندازد که آپارتمان‌ها را از جا کنده و به خارج فرار کنند.

«كنت أتصور أن الإكتئاب من الأمراض المنتشرة في العالم الثالث، لكنني فوجئت باحصائية تشير إلى أن أكبر نسبة اكتئاب في العالم توجد في الولايات المتحدة، و هي حقيقة غريبة يزيد من غرابتها أن إرسالنا التليفزيوني لا يصل إليهم» (رجب، بی تا: 114) (Rajab, w.d.:114) معنی: من قبلاً تصور می‌کردم که افسردگی از بیماری‌های شایع در جهان سوم است اما با دیدن آماري که نشان می‌دهد بیشترین درصد افسردگی جهان مربوط به ایالات متحده است شگفت زده شدم. این واقعیت عجیبی است و چیزی که باعث عجیب‌تر بودن آن می‌شود این است که امواج تلویزیونی ما به آن‌ها نمی‌رسد.

در اینجا نویسنده با ابراز تعجب از آماري که بیشترین درصد افسردگی را در آمریکا نشان می‌دهد و همچنین بر خلاف عقیده قبلی اوست با استدلال اینکه امواج تلویزیونی ما به آن‌ها نمی‌رسد آن را بسیار عجیب می‌شمارد. هدف طنزپرداز از به کارگیری این استدلال احمقانه، اشاره و نقد نسبت به برنامه‌هایی است که از تلویزیون پخش می‌شود و به نظر او افسرده کننده است.

زرویی در چند مورد از استدلال احمقانه به زیبایی استفاده کرده است:

(الف) ذکر غلامحسین کرباسچی

«روزی در جمع مریدان می‌گفت: من در دکان مردمان از بهر خدا زرد می‌کنم! و هم او گفت: اگر زرد، رنگ خوب نبود، در بیضه مرغ به جای زرده، سبزه بودی!» (زرویی نصرآباد، 1376:

(Zarvi Nasrabad, 1376:16)

(ب) ذکر محمدعلی نجفی

«نقل است که مریدان را گفت: علم آن نیست که بر ورق آرند، بلکه آن است که بر تخته‌سیاه نویسند! و گفت: مضر چیزی است کاغذ؛ که مولد کاغذ بازیست!» (همان منبع 22)

(Zarvi Nasrabad, 1376:22)

## 10-2- سجع

یکی از آرایه‌های ادبی که طنزپرداز در نگارش متون خود از آن استفاده زیادی می‌کند طنز است. «در تعریف سجع گفته‌اند چنانچه دو واژه در واج یا واج‌های پایانی و در وزن و یا هردوی این‌ها یکسان باشند، مسجع خوانده می‌شوند. ضمناً آرایه سجع غالباً در سطح کلام یا گفتمان (discourse) تحقق می‌یابد؛ یعنی در کلامی که دست کم دارای دو جمله باشد؛ زیرا سجع‌ها باید در پایان دو جمله بیابند تا سجع آفریده شود.» (غضنفری، 1388: 130)

( Ghazanfari, 1388:130)

احمد رجب در این بند، به خوبی در پایان کلمات، سجع، ایجاد و سخنش را موزون و طنزآمیز کرده است:

«امثالنا الشعبیة قديمة جدا، لكني أتوقع أن تتبع امثال جديدة من الشعب تفرضها المتغيرات و الظروف مثل: إيه اللي غمك دي الغمة قال ابني في الثانوية العامة، -إيه عمك حسان ياجحشي؟ قال مشيت في سكة الوحشي، -مالك مقطوع و عريان؟ قال فلوسي في الريان، -اللي عايز الوزارة يا سادة يتعلم الطولة محبوسة و عادة» (رجب، بی تا: 36-37)(36-37) (Rajab, w.d.:36-37)

معنی:

«الوزراء نوعان؛ واحد يقال و واحد يستقيل، و في اليابان نوع واحد فقط يستقيل، و في أوربا واحد يقال و واحد يستقيل، و في بلادنا واحد يقال و واحد يستحيل» (رجب، بی تا: 97)

(Rajab, w.d.:97)

معنی: وزیران دو نوع هستند: یکی برکنار می‌شود و یکی استعفا می‌دهد، در ژاپن فقط یک نوع است که استعفا می‌دهد، در اروپا یکی برکنار می‌شود و یکی استعفا می‌دهد و در کشور ما یکی برکنار می‌شود و یکی محال و غیر ممکن است.

در این بند، رجب با آوردن دو کلمه «یستقيل» و «یستحيل» که دارای سجع هستند، هم جمله را آهنگین کرده است و هم استعفا ندادن وزیران در مصر را گوشزد کرده است.

زرویی در میان طنزپردازان معاصر فارسی، به داشتن کلام مسجع و موزون شهره است و توانسته است با به کارگیری این شگرد، طنزآمیز بودن نوشته‌های خود را چند برابر کند. وی در کتاب تذکرة المقامات، به وفور از سجع استفاده کرده که به دو مورد از آن اشاره می‌شود:

ذکر حسن حبیبی



«آن صاحب تقدم، آن غمگسار مردم، آن دارای مکاسب، آن صاحب مناسب، آن تکسوار عرصه بی رقیبی، مولانا دکتر حسن حبیبی مردی کارکن بود و دارای دکترای جامعه‌شناسی از دانشگاه سوربن بود.» (زروی نصرآباد، 1376: 11)

(Zarvi Nasrabad, 1376:11)

ذکر محمد اصغری

«آن صاحب اشارت، آن لایق امارت، آن باعث فیض، آن کاظم الغیظ!، آن هوادار جناح این‌وری و آن‌وری، مولانا محمد اصغری مرد میدان بود و سرپرست موسسه کیهان بود» (زروی نصرآباد، 1376: 93)

(Zarvi Nasrabad, 1376:93)

## 2-11- تعریف ساخر

به واسطه طنز گاهی واژه یا مفهومی خلاف تعریف‌های مرسوم تعریف می‌شود. مانند واژه دنیا: آنجا که هیچ آفریده در آن آسایش نبیند. (تجبر، 1390: 79) (Tajbar, 1390:79).

احمد رجب، آزادی نوشتن را به گونه‌ای طنزدار و غیر از تعریفی که متداول است ارائه می‌دهد: «حرية الكتابة التي يعطيها قانون سلطة الصحافة هي حرية الكتابة على الآلة الكاتبة أو بالقلم الجاف» (رجب، بی تا: 38) (Rajab, w.d.:38)

معنی: آزادی نوشتن که قانون مطبوعات می‌دهد عبارت است از نوشتن بر ماشین تحریر یا با خودکار.

«هذا شيء عادي، فقد قال حكيم اسبرطة ان الانسان يولد عاقلا او مجنونا، والعقل ينقسمون إلى قسمين: قسم يسبق عقله زمنه فيموت معذبا ناقص عمر، و قسم يسبق زمنه عقله فيموت متخلفا ناقص فهم، كذلك ينقسم المجانين إلى قسمين: نزل في المصحات العقلية و حكام للعالم الثالث» (رجب، بی تا: 104) (Rajab, w.d.:104) معنی: این یک چیز عادی است. حکیم اسبرطه (شهری در یونان قدیم) گفته است: انسان، عاقل یا دیوانه متولد می‌شود و افراد عاقل به دو بخش تقسیم می‌شوند: یک‌بخش کسی که عقلش از زمانش فراتر است پس در حال عذاب و با عمر کم می‌میرد و بخش دیگر، کسی که زمانش از عقلش فراتر است پس در حالی که عقب مانده و کم فهمیده می‌میرد. همین‌طور دیوانگان به دو بخش تقسیم می‌شوند: افرادی که در آسایشگاه‌های روانی نگهداری می‌شوند و حاکمان جهان سوم.

تعریفی که از دیوانگان می‌شود و آن‌ها را به دو بخش تقسیم کرده و حاکمان جهان سوم را نیز جزئی از افراد دیوانه تعریف می‌کند از مصادیق تعریف ساخر است که در خود، دارای کنایه به آن حاکمان نیز است.

زروی نیز از این شیوه طنزپردازی بهره برده و سخنش را با تعریفی ساخر، با طنز بیان کرده است:

ذکر محسن نوربخش

«روزی مریدان گرد او حلقه زده بودند. مریدی گفتش: تعادل اقتصادی چیست؟ گفت: چیزی مثل وعده ارزانی!» (زروی نصرآباد، 1376: 64) (Zarvi Nasrabad, 1376.:64)

تعریفی که از تعادل اقتصادی در ذهن است با تعریفی که در اینجا از آن ارائه شده سنخیت ندارد و همین، سبب طنز شده است.

ذکر حسین مخلوجی

«گویند پس از مولانا محمد غرضی مجیب مسایل اصحاب، او بود. چنان که روزی او را پرسیدند که: پروفیل چیست؟ گفت: دانه ذرت است که بر آتش نهند و بترقد و سفید شود و به هم برآید و آن، خوراک اهل دل است!» (زرویی نصرآباد، 1376: 69) (Zarvi Nasrabad, 1376: 69)

تعریفی که از پروفیل می‌شود دارای طنز است و دانستن اینکه حسین ملحوظی چند سال وزیر معادن و فلزات بوده و پروفیل به حیطة وزارت او مرتبط است بار طنز این جملات را بیشتر می‌کند.

### 3- نتیجه‌گیری

احمد رجب و زرویی در نثر خود از تکنیک‌های گوناگونی برای آمیختن آن با طنز استفاده کرده‌اند و با بهره‌گیری از این شگردها به خوبی توانسته‌اند اوضاع و شرایط ایران و مصر را در نوشتار خود منعکس کنند. به نظر می‌رسد استفاده از شگرد تهکم بیشترین بسامد را داراست. زیرا در موارد متعددی، زرویی و رجب، در ظاهر از یک فرد یا مجموعه تعریف می‌کنند اما در واقع، از شأن آن‌ها می‌کاهند. نثر این دو به دلیل به کارگیری واژگان معمول و همه فهم، ارتباط بسیار نزدیکی با مخاطب برقرار می‌کند و مخاطب از خواندن آن خسته نمی‌شود. احمد رجب با بیان طنزگونه خود، پرده از مشکلات و فسادهای حاکم در جامعه مصر خصوصاً در میان زمامداران حکومت برمی‌دارد و پشت پرده‌ها و مسائلی که شاید کسی به صراحت جرأت بیان آن را ندارد به صورت طنز و به طور غیر مستقیم بیان می‌کند. زرویی نیز با استفاده از این تکنیک‌ها، انعکاسی از جامعه ایران و کاستی‌های مسئولین دولتی را در نثر خود نشان می‌دهد. وی به شکلی طنزگونه نسبت به عملکرد برخی مسئولین، انتقادی نرم انجام می‌دهد و مشکلات موجود در سطح جامعه و دستگاه حکومتی را برای مردم نمایان و به مسئولین، گوشزد می‌کند.

### منابع

1. اصلانی، محمدرضا. (1385). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*. چاپ اول. تهران: کاروان.
2. انوشه، حسن. (1376). *فرهنگ نامه ادب فارسی*. چاپ اول. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
3. پردل، حمیده. (1391). «بررسی محتوایی طنز در اشعار محمد صالحی آرام، ابوالفضل زرویی نصرآباد و خلیل جوادی». مهدی خادمی کولایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه پیام نور استان مازندران.
4. پوردهقان اردکان، رضا و رضاپوریان، اصغر و حکیم آذر، محمد. (1396). «سبک شناسی آثار طنز ابوالفضل زرویی نصرآباد». *فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. دوره سیزدهم، شماره 1 (پیاپی 47)، صص 1-18.
5. تجیر، نیما. (1390). *نظریه طنز بر بنیاد متون برجسته‌ی طنز فارسی*. چاپ اول. تهران: مهر ویستا.
6. جوادی، حسن. (1384). *تاریخ طنز در ادبیات فارسی*. چاپ اول. تهران: کاروان.
7. حری، ابوالفضل. (1387). *درباره طنز*. چاپ اول. تهران: سوره مهر.
8. حلبی، علی اصغر. (1365). *مقدمه‌ای بر طنز و شوخ طبعی در ایران*. چاپ اول. تهران: بیک ترجمه و نشر.

9. داد، سیمیا. (1385). فرهنگ اصطلاحات ادبی واژه نامه مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپائی. چاپ سوم. تهران: مروارید.
10. دهقانین، جواد. (1386). «بررسی محتوا و ساختار طنز در نثر مشروطه». محمد حسین کرمی. پایان نامه دکتری زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه شیراز.
11. رجب، احمد. (بی تا). نصف کلمه. قاهره: دار اخبار الیوم.
12. زارع جیرهنده، سارا و باقری خلیلی، علی اکبر. (1395). «شگردهای طنزپردازی در کتاب شلوارهای وصله دار». فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه. دوره 17، شماره 33، صص 333-305.
13. زرویی نصرآباد، ابوالفضل. (1376). تذکرة المقامات. چاپ اول. تهران: گل آقا.
14. شمیسا، سیروس. (1383). انواع ادبی. چاپ اول. تهران: فردوس.
15. صفایی، علی و ادهمی، حسین. (1393). «نمود تکنیک های طنز در ساختار پیرنگ داستان های فرهاد حسن زاده». فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره 32، صص 166-119.
16. غزالی، شعیب. (1414ق). «أسالیب السخریة فی البلاغة العربیة دراسة تحليلیة تطبیقیة». عبد العظیم ابراهیم المطعنی. رسالة مقدمة لنیل درجة الماجستير. جامعة أم القری المملكة العربیة السعودیة.
17. غضنفری، محمد. (1388). «پژوهشی در کاربرد آرایه های ادبی در طنز معاصر فارسی و مقایسه اجمالی آن ها در طنز انگلیسی». مجله جستارهای ادبی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی سابق). شماره 165، صص 136-113.
18. غلامی، سارا. (1391). «نقد ساختاری غلاغه به خونهش نرسید اثر ابوالفضل زرویی نصرآباد». نسرین فقیه ملک مرزبان. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه الزهرا.
19. فتوحی، محمود. (1390). سبک شناسی نظریه ها، رویکردها و روش ها. چاپ اول. تهران: سخن.
20. کردچگینی، فاطمه (1388). کتاب طنز 5. به اهتمام سید عبدالجواد موسوی. چاپ اول. تهران: سوره مهر.
21. نظری منظم، هادی و بیاتی، مجید. (1396). «الأدب الساخر فی الصحافة المصریة؛ أحمد رجب نموذجاً». فصلیة إضاءات نقدیة. شماره 19، صص 166-147.
22. هاشمی نژاد، سیدجواد. (1386). دایرة المعارف زیبای خنده. چاپ اول. تهران: پرتو خورشید.
23. همایی، جلال الدین. (1384). فنون بلاغت و صناعات ادبی. چاپ بیست و سوم. تهران: هما.

24. [www.aljazeera.net](http://www.aljazeera.net) 2014/09/12
25. [www.akhbarelyom.com](http://www.akhbarelyom.com) 2015/09/11
26. [www.youm7.com](http://www.youm7.com) 2014/09/14

## References

1. Aslani, Mohammad Reza. (1385). Vocabulary and humorous terms. First Edition. Tehran: Caravan.

2. Anousheh, Hassan. (1376). Dictionary of Persian Literature. First Edition. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
3. Dad, Sima. (1385). Dictionary of Literary Terms Glossary of Persian and European Literary Concepts and Terms. Third edition. Tehran: Morvarid.
4. Dehghanian, Javad. (1386). "Study of the content and structure of humor in constitutional prose" Doctoral dissertation in Persian language and literature. Shiraz university.
5. Fotuhi, Mahmoud. (1390). Stylistics of theories, approaches and methods. First Edition. Tehran: Sokhan.
6. Ghazali, Shaeab. (1414 BC). "Methods of irony in Arabic rhetoric, an applied analytical study." Abdel-Azim Ibrahim Al-Mutaani. Letter of introduction to obtain a master's degree. Umm Al-Qura University, Kingdom of Saudi Arabia.
7. Ghazanfari, Mohammad. (1388). "A study on the use of literary arrays in contemporary Persian satire and a brief comparison of them in English satire". Journal of Literary Essays (former Faculty of Literature and Humanities). No. 165, pp. 113-136.
8. Gholami, Sarah. (1391). "Structural critique of Ghalaghe did not reach his house" by Abolfazl Zarvi Nasrabad ". Nasrin Faqih Malek Marzban. Master Thesis in Persian Language and Literature. Al-Zahra University.
9. Hari, Abolfazl. (1387). About humor. First Edition. Tehran: Surah Mehr.
10. Halabi, Ali Asghar. (1365). An Introduction to Humor and Humor in Iran. First Edition. Tehran: Translation and publishing courier.
11. Hasheminejad, Seyed Javad. (1386). A beautiful encyclopedia of laughter. First Edition. Tehran: Ray of the Sun.
12. Homyai, Jalaluddin. (1384). Rhetoric and literary crafts. Twenty-third edition. Tehran: Homa.

- 
13. Javadi, Hassan. (1384). History of humor in Persian literature. First Edition. Tehran: Caravan.
  14. Kordchgini, Fatemeh (1388). Comic book 5. By Seyed Abdoljavad Mousavi. First Edition. Tehran: Surah Mehr.
  15. Nazari munazam, Hadi and Bayati, Majid (1396). «Satirical literature in the Egyptian press; Ahmed Ragab as a model ». Illuminations literary criticism. No. 19, pp. 147-166
  16. Pardel, Hamideh. (1391). "A study of the content of humor in the poems of Mohammad Salehi Aram, Abolfazl Zarvi of Nasrabad and Khalil Javadi". Mehdi Khademi Kolaei. Master Thesis in Persian Language and Literature. Payame Noor University of Mazandaran Province.
  17. Purdheghan Ardakan, Reza and Rezapourian, Asghar and Hakim Azar, Mohammad. (1396). "Stylistics of Abolfazl Zarvi's comic works in Nasrabad". Quarterly Journal of Persian Poetry and Poetry (Spring of Literature). Volume 13, Number 1 (47), pp. 1-18.
  18. Rajab, Ahmad. (Without date). Half a word. Cairo: Dar Al-Youm News.
  19. Safaei, Ali and Adhami, Hossein. (1393). "Manifestation of humor techniques in the plot structure of Farhad Hassanzadeh's stories". Persian Language and Literature Research Quarterly. No. 32, pp. 119-166.
  20. Shamisa, Sirius. (1383). Literary types. First Edition. Tehran: Ferdows.
  21. Tajbar, Nima. (1390). Theory of humor based on prominent texts of Persian humor. First Edition. Tehran: Mehr Vista.
  22. Zare Jirhandeh, Sara and Bagheri Khalili, Ali Akbar. (1395). "Tricks of satire in the book of patched pants". Kavoshnameh Scientific Research Quarterly. Volume 17, Number 33, pp. 333-305.
  23. Zarvi Nasrabad, Abolfazl. (1376). Note of positions. First Edition. Tehran: Gol Agha.

### About Authors

First Author: Associate Professor Dr. Ali Afzali / Department of Arabic Language and Literature / Faculty of Literature and Humanities / University of Tehran

education:

PhD, 2010, Arabic Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz. M.Sc., 2003, Arabic Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz. Bachelor, 2001, English Language and Literature, Shiraz University

Operating activities :

Deputy of Arabic Language and Literature Department, 03/09/2017, 02/30/1400, Iran, Tehran

He has authored several books and participated in conference papers, conferences and scientific journals, as well as articles published in international journals and translated books, and has guidance and advice for more than fifty dissertations.

E.mail: [ali.afzali@ut.ac.ir](mailto:ali.afzali@ut.ac.ir)

Second Author: Assistant Professor Dr. Rahim Mazhar Atabi / Department of Persian Language and Literature / Faculty of Foreign Languages / University of Baghdad

Educational background:

Bachelor: Field of study (major): Persian language and literature, University of Baghdad, 2000. M.Sc.: Field of study (major): Persian Language and Literature, Baghdad University 2003. PhD: Asia-Africa Institute / Tbilisi / Georgia 2009.

He had several bachelor's, master's and doctoral dissertations under his guidance and advice.

Research interests and background:

Translation of the book: Mystical Manifestations in Persian Literature / Lotfali Soortgar

Membership in scientific societies and associations:

Scientific Judge of the First International Congress of Rumi and the Fourth Congress of Language, Literature and Cultural Relations of Turkey / Konya / Seljuk University International Conference on Research in Humanities / Shiraz. Membership of the Jury Committee "The 7th National Conference on Management Research and Humanities in Iran at the University of Tehran

Records:

Email: [dr.raheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq](mailto:dr.raheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq)

Third Author: Mohammad Mehdi Karimi, Master Student of Arabic Language and Literature, University of Tehran, Secretary of Education, Yazd

Province, has conducted research and studies in the field of comparative literature.

Email: [mmkarimi74@yahoo.com](mailto:mmkarimi74@yahoo.com)

**نویسنده اول : دانشیار دکتر علی افزلی/** گروه آموزشی زبان و ادبیات عربی / دانشکده ادبیات و علوم انسانی / دانشگاه تهران  
**تحصیلات:**

دکتری، 1389، زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز  
کارشناسی ارشد پیوسته، 1382، زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز  
کارشناسی، 1380، زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه شیراز

**فعالیت‌های اجرایی :**

معاون گروه زبان و ادبیات عربی، 09/03/1398، 30/02/1400، ایران، تهران  
ایشان چندین کتاب‌های تالیفی دارند و شرکت در مقالات کنفرانس، همایش‌ها و ژورنال‌های علمی داشتند و همچنین مقالات چاپ شده در نشریات بین‌المللی و کتاب‌های ترجمه شده دارند و راهنمایی و مشاوره بیشتر از پنجاه پایان‌نامه داشتند برای اطلاعات بیشتر به لینک زیر مراجعه کنید

E.mail : [ali.afzali@ut.ac.ir](mailto:ali.afzali@ut.ac.ir)

لینک رزومه : <https://rtis2.ut.ac.ir/cv/ali.afzali/?lang=fa-ir>

**نویسنده دوم :** استادیار دکتر رحیم مزر عتابی/ گروه زبان و ادبیات فارسی/ دانشکده زبانهای خارجی/ دانشگاه بغداد

**سوابق تحصیلی :**

کارشناسی : رشته تحصیلی (گرایش): زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بغداد 2000 میلادی  
کارشناسی ارشد : رشته تحصیلی (گرایش): زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بغداد 2003 میلادی :  
دکتری تخصصی : انستیتوی آسیا و آفریقا/تیبلیس/گرجستان 2009 میلادی  
چندین پایان‌نامه‌های تحت راهنمایی و مشاوره لیسانس ، کارشناسی ارشد و دکتری داشتند.  
علاقه و زمینه پژوهشی :

ترجمه کتاب: تجلیات عرفانی در ادبیات فارسی/ لطفعلی صورتگر  
عضویت در مجامع و انجمن‌های علمی :

داور علمی اولین کنگره بین‌المللی مولانا پژوهی و چهارمین کنگره زبان، ادبیات و ارتباطات فرهنگی ترکیه/ قونیه/ دانشگاه سلجوق و عضو کمیته داوران کنگره داور علمی همایش بین‌المللی "جایگاه زنان اندیشمند ایران و عرب در گسترش تعامل و گفتگوهای فرهنگی" دانشگاه الزهرا و داور علمی سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم انسانی/ شیراز. عضویت کمیته داوران "هفتمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران در دانشگاه تهران

**سوابق اجرایی:**

- معاون رئیس دانشکده/ امور دانشجویان دانشکده زبانهای خارجی/ 2012-2013
- مسئول هماهنگی دانشکده زبانهای خارجی/ 2004-2006

الایمیل الرسمي : [drraheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq](mailto:drraheem2004@colang.uobaghdad.edu.iq)

**نویسنده سوم : محمد مهدی کریمی ،** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران دبیر آموزش و پرورش استان یزد، وی در زمینه ادبیات تطبیقی تحقیقات و مطالعاتی انجام داده است

الایمیل : [mmkarimi74@yahoo.com](mailto:mmkarimi74@yahoo.com)

## قراءة مقارنة للسخرية الاجتماعية والسياسية في أعمال أبو الفضل زروبي نصر أباد وأحمد رجب (تذكرة المقامات للزروبي نصر أباد و نصف كلمة لاحمد رجب انموذجاً)

أستاذ مشارك الدكتور علي أفضلي

جامعة طهران/ كلية الآداب والعلوم الإنسانية/ قسم اللغة العربية وآدابها

أ.م.د. رحيم مزهر العتابي

جامعة بغداد/ كلية اللغات/ قسم اللغة الفارسية

م.م. محمد مهدي كريمي

جامعة طهران/ قسم اللغة العربية وآدابها

### خلاصة البحث

السخرية هي إحدى الفنون الأدبية التي كانت دوماً مورد اهتمام الانسان ، وفي كثير من الحالات تكون الأوضاع والظروف السائدة في المجتمع لا يمكن القدرة على تحمل وسماع النقد الصريح ، ولا بد من استعمال أداة أخرى لإظهار المشاكل والعيوب ، وفي مثل هذه الحالات تأتي السخرية في المقدمة ويؤدي الناقد الساخر هذا الهدف باستعمال اسلوب السخرية. ويقدم الفكاهة من خلال هذه السخرية لذا فإن الضحك والفكاهة ليست نتاجاً عن الفرح والسرور بل أنه ليس بالامكان عرض المشاكل بصورة مباشرة لذا فإن السخرية تعبر عنها بصورة غير مباشرة ، لذا فإن الفكاهة هي حالة ظاهرية تجعل من المتلقي يغرق في البكاء. وهنا فإن ابو الفضل واحمد رجب هما من الكتاب المشهورين في السخرية في ايران ومصر وقد استطاعوا في اعمالهم باستعمال اساليب مختلفة للسخرية تعكس بشكل جيد الاوضاع والظروف التي تحكم وتسود في بلدانهم والبحث الحالي يتناول تذكرة المقامات لابو الفضل ونصف كلمة لاحمد رجب بأسلوب تحليلي ووصفي ويتناول الفنون والاساليب لكليهما ، وقد توصل البحث الى ان التهكم من اكثر ما امتاز به الكاتبين في نثرهما واستطاعوا كذلك باستعمال لغة السخرية أن ينتقدوا بشكل كبير الامور والمشكلات الموجودة في المجتمع الايراني والمصري بشكل غير مباشر.

**الكلمات المفتاحية:** احمد رجب ؛ ابو الفضل زروبي نصر أباد ؛ السخرية ؛ فنون السخرية